

غزوات مکرّمه ۶

انصب التاب
في



صفایان مصاف اثر بوسم اوزره ترتیب صفوف خبر
ایم شد که چون عظم فتوحات حضرت سید الوری علیه
افضل التحایا اولان مکرمه شرفها الله تعالی نک مستزاد
منظومه فتوحات و شایسته قصیده غزوات اولد یعنی
نشاط افزای اصحاب صفا و ناخیز دل حساد و اعدا
المغین رؤسای هوازن و ثقیف حلقه بند جمعیت و بوجده
سجده کردان مشورت اولدیر که نیروی بازوی محمد باند
بعید و دور ملاحظه اولان ملاحم اموردن اصعب و ابعدی
فتح بیت مکرم ایدی که اندک اواره مقابلید تدبیر اید مفتح
مفتاح ضبط و تنجید اید بعد ازین جسته جسته خمن قبائل
اطرافی سوخته برق شمشیر اید جلجلی کنایه علی علم حنفی
و سیه دکلدرع علاج واقعیش از وقوع باید کرد و محو اسخه
اندون مقدم تسمیه ساق ایت شد نطق غیرت ایلک
لازمه و منت جا ایتد رزمیده وقت معهود و محل موعود دارند

ناقص
طریق

نیر و
صورت
وزیر

سید ابراهیم

اجتماع و اختشاده همدست استی و اولوب مالک بن عوف
النضری که اگر چه افضای عنفوان شبانی انساب تجارب کثیره
سبب اید روی لکن ملکه شجاعت و جرات وجودت
رای و سخاوت اید مسلم اقران و میان قبائل عربده مشارالینا
ایدی ترتیب عسکر و تجهیز لوازم لشکر و سامان ثبوت امور
کارزار و ده زمام اختیار لرین قبضه اقتدار بنه تسلیم و قبائل
سائره دن و حتی غیر از کلاب و کعب قبیله بنی نصر و بنی حشم
و بنی سعد و بنی بکر موافقت لرین تقسیم اید و ب شکوفه زار
روضه الصفا دن نهاده شیشه بیان قلنان بنفشه و شنه
روایت اوزره مغیلا زار بیابان اشتر کردن ریشه بند شوره
اجتماع اولان او تو زبیک مقداری خار پای آزار اولوب
لکن بوغرای غزاده پیرایه صحیفه نزول اولان کریمه لفظ نصرکم الله
لما آخه کثرت و قوت جانب اسلامیانده و ضعف و قوت
طرف مشرکین بمیسر و سامانده اولد و غنن تأیید و بعضی مفسرین
لشکر اسلام علی روایت الهی بیک و علی قول اون ای بیک و چند
اعدای تمام فقط درت بیک اولق اوزره تحقیق لرین تشبیه
علی اختلاف الروایات رؤسای هوازن و ثقیف قبیله بنی
حشمن بیت بانا طقه فکر یرم و با ساعه کلچین با و ایه نابغ
و با عاقده یرم مضمونی نگاشته صحیفه استعدادی اولان درین

القصة که مرقی عمر سیاه دن پناه ده پایه صد و شصت ساله بر پیر
 ابینا نای عاقبت بین و بر شیخ کار آزمای وی زای زین اولاد
 سخت چله تدابیر پیرانه سندن پران اولان سهام افکار نیک
 اکثری ترازوی هدف اصابت اولوق مانند کمان ستم قبضه عرفی
 ایدی لک کرده رشته تدبیر اولد قدری مشکلات اموره تحریک
 ناخن همتدن استقامت و نوک سوزن ذهن و قادینه
 مراجعت خصوص سندن ماعدایی دغدغه تر و در آینه متابعت
 و عموماً امر و نهی مطاعت شرطیده ردیف مطیع غنیمت
 ایدوب دیار هوار سندن او طاس نام وادی به نزل نکرده کریمه
 اطفال و آواز ده زمان و شماتت اصوات انواع چهار پایان
 رسیده گوش هوش درید او بختی بو مثل صدای راحت و نسا
 اردوی لشکر و مجمع عکرایه بی حجت جامعه و مفروق حواس
 و شوش سامعه اولمغین منش و حقیقت سندن پرسان اولد قده
 حال اسر کرده قبایل مالک بن عوف بهمنان موافقت اولان
 کرده لشکر یانک دواب و مواسی و اموال و جمله امتعه و عیال
 و اطفال بدین علاوه احوال جمال و پیر و قطار ادوات و اطفال
 ایتمکله اندک صد سیدردیو جواب ویر و کل نکرده درید بن القصة
 در حال مالکی احضار و بونلری سربار لوازم کارزار ایتمک حکمتدن
 استفسار اید یحک مالک بن عوف بو گونه مطیع ران میدان

جواب اولدی که ای درید محبت عقلای کار آزمودگان و کارار
 و مراراً مشهود با صرّه دور بینان اولد یعنی اوزره مردان نبرد ازان
 زمانه مجر و تعصب دین و ملت و پاس آبروی غیرت و حمیت
 ایچون بذل نقدینه حیات و کل بلکه اندک مشاق و متاع به
 تحمله و پر جای مرکز ثبات اولیه جفندی دایره تصور دن
 بیرون اولمغله حفظ ناموس اهل و عیال و محبت حبلیه استیا
 و اموال کند و لره بالضروره عنان کیم فرار و زمان و اطفال کت
 حش و اغارای فروزینه نازده کارزار اولوق ملاحظه لری موجب
 احتمال ثقت و باعث ارتکاب کلفت اولش در دبوب ط
 کلامن پر چیده دست ختم اید کرده درید بن القصة وخی بود چیده
 اسب انکیز نطع حقیقت و فرزانة روساخه نصیحت اولدی که
 ای آوارگان بیابان حیرت وای پیادگان وادی خسران
 و خیب و رای پرده خفا دن نه صورت باز کون خفا اولد
 هنوز بر یکرک معلومی اولمغله قیاس ایدر که اگر عکس قضیه متقد
 ایتما که منتهی نتیجه انزام اولوق حاکمی بدیدار اولوب مال کارالایه
 یوم یفر الم من اخیه واته واییه و صاحبته و بنیه مصداقنه ماصدق
 اولد یعنی تقدیر حبه اول روز ثبات سوزده هر بر یکرک عربی من نجات
 براسه فقدر برج • مضمونی بدرقه راه نجات ایتمکله بر فردن خار
 تعلقی کند ویه و امکنیه اولمغوب بلکه زعم کرده وسیله ثبات عده

باس می فطه
 و حفظ

اولان عیال و اثاث و سامان و داخل حظیره ملک اسلامیان
اولمغه دامن قبایل و بویخ فصاحت و لکه شاعت و ملا
تا بحش شسته صابون مذامت اولمغین الی انقراض الایام آماج
سهام تغییر و دشنام اولمغینک هیچ ده خاطر کلمه می و گوشت
کلامنه پیوند زده ختام اولمغین هنوز تخلصدی معلومی اولمغ
کعب و کلابک استقام حضور و غیبتدیه اما له لجم اید که قبیلین
مقومین و داخل شیرازه جمعیت و کلد ر جوابی پرده سامعه درید
دریده فارغه ناسف اشکین سرپوش انداز خم غضب اولوب
لقد غاب عنکم الجده و الجده تنجیه سن ریخته پیا له لصریح ایدوب
کعبین مبادی حالدن بدیدار اولان بویکی نقش پشت
بری کعب و کلابک تخلصدی وبری دخی زمان و اطفاقی ملک
احتمال تخلصدیر موافق منصوبه مرام اولمغین نشسته شدر
یقینداری بوالثقال و عیال که سزله عقال پای صرب و قتال
و معتقدی مسلم محاذیر و ملا لدر کرکدر که بر مفر آیین و یا خود
بر حصن حصینه آسوده نشین فراغت ایدوب انجوت هریده سوار
و شمشیر زن و نیزه گذار اید عازم کارزار اولور کفر از غلبه ظفر
اولمغین تقدیرده دخی باری اولمغوله انهم فصاحت انجم اید
تنحکم اولمغین باریچه روز کاروی فنون نقش بوقلمون و هر دو بند
یکده مستبعد و کلد و یورشسته لولو نظام نصایحه عقد بند ختام

اولوب لکن نظم تقدیر قطع رشته تدبیر میکند • تدبیر ساده لوح
چه تقدیر میکند • فوج آنچه سدید تقدیر تیش کند و بان تدبیر اید
ثمة و آروخته پذیر اولمغین مخالفت حکمت خداوند تقدیر اولمغین
بر فرد و راری نصایح دریدی پیرایه کوش اذعان و زیور و شایع
تصدیق و ایتقان ایتوب پیروی رهبر تدبیر مالک اید طائف
و لکه بیننده واقع حنین نام موضعه و صولدری خبری درگاه محلی گاه
نبوت علیه فضل التحیه پیشگاه معروض اولمغده عبد الله بن
ابی جدر اسمی رضی الله عنه تحویل اطلاع کیفیت و کتبت اندایه
تعیین و عتاب بن اسید حضرتی دخی مسند خلافتدیه تمکین بویکی
علی اختلاف الروایتین یا الی بیک نفر عتاب صفوه شکار
و یا خود اون ایکی بیک مقدارش پهن بالا پرواز کارزار اید
جانب حنینه بالکشی استعجال اولمغین اثنای راهده عبد الله بن
ابی جدر اسمی رضی الله عنه معکر کفار و نعودت ایدوب
امرار بر نظر طالی کمر ایدکی وجه اوزره عدت عادت و مقدار
اسلحه و ادواتی بیکان بیکان شمرده بیان اید که دایره نشین
برزم ثریا نظام رسالت علیه الصلوة والسلام بولان اصحاب
که آمدن برینک رمیه من غیر اید کمانکده و مانند سخت مهر
لن نقب الیوم من قلة • تعبیری ساقط اولمغین و شکمین بوقمال
پیش نهادن اولمغین اسرار ملکوت و محرم خفایای و رپرده

جبروت صلی الله علیه وسلم حضرت نیک مبارک جبین منیر
 آفتاب نظیر رنده طیران ذرات تغیر و انفعال نمایان المثنوی
 حکمت غامضه صدائی واراده از لیه سبحانی الی انقضاء الدنیا
 بوقش غریب الظهور کسر مشق اعتبار اصحاب عجب و غرور
 اولسن اقتضای تمکین و اله اولیده رونما اولان صورت بازگوئی
 انذار اگر چه ساده لوحان عا کر اسلامه نسبت مبدئی مشکل
 نفقت بر امر مورت الوحش ایدی فاما غایتی بر نعمت جلیده
 پر خیر و برکت اولدیغدن غیری عباد و عجز اعتقاد و دن کثرت
 وقوت و شوکت و جاه و دوله اعتنا و اعتماد و لایق حال
 و شانلری اولیوب بلکه بر خجای **نظم** غیر از نیاز و عجز که در کشور
 تونیت • ابن مشت خاک تیره چه دار و سنای تو • درگاه
 چاره سازه خسوده عجز و نیاز و دانا تضرع و ابتهال اید سوز
 و کدازده اولمق و سیده احراز رتبه سرفرازی اولدیغین اشعار
 و انحق مخصوص ذات بیهای اولان کبریا و غرور و دن اندازی
 متضمن بلکه کشته کریمه • لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره الی آخره
 بوغزای غراوه پیرایه دستار زول اولدیغی سر شیشه شکوفه و
 مفسر بنذر و احاصل مالک بن عوف لشکر ظفر اعلام اسلام
 مقدم وادی حنینه وار و اولوب لکن غلبه غلب و بهر اسب
 غزات زلزله انداز اساس شامری اولمغین کند و لره کوره لایا

5
 اچقدن صف زده تقابل اولمق قابل اولمغله سبک خزیده
 ناکا بهر کبی غافل هجوم اید هزاران کلام اسلامی بیش زار
 و غادون معدوم اینک زعمیده اول خوک طینتان بیابان
 اشرکی جسته جسته پیغوله کیر کسنگاه و تنبیه مراعات مراسم انتباه
 ایشیدی حضرت سپهسالار کتیبه انبیا علیه افضل التحایا و حنی
 نامزد مشوآت غزا اولان اجنا و ظفر اعتقاد اید محل معهوده قریب
 و صفوف عا کر نصر تارزه پیرایه بخش رتیب اولوب بر علم
 ظفر توأم اید جناب فاروق اعظم رضی الله عننی مکرم و بر لوی
 نصرت التوا اید رتبه علی المرتضی رضی الله عننی اعلا و بر رایت
 ظفر آیت اید و حنی احراز رتبه سعادت سعید بن ابی وقاص
 حضرت قرینه اختصاص پیور و لکن مغل وادی حنین مانده
 جدول بر ممر تنگ و معبر پر کلوخ و سنگ اولمغین جیوش
 دریا خروش اسلام تحریب بنیان اعدای لئامه صف لسته لای
 مصابت و عنوان و مثال سیل شتر موج کف افشان جوش و خروش
 اولد قلری حالد و خول اید آراء سطوت شوکت نامیده
 و غیره مومل اولمقدن ناشی مانده جویبار هموار آهسته آهسته موج
 موج و کرده کرده و فوج فوج و رودری اثنا سنده اول کرازا
 چنکستان چنک پیکان خورده خوکان کبی جنبش تند و تیز اید
 کمینکا لاندن بر گونه غبار انکیز اولدیگر که **نظم** یکی تیره کرد از میان

تا بدید • بدانسان که خورشید شد نابدید • فحوا سنج اول کرد
 آشوبخیز که تیره ساز خورشید رسنا خیزایدی صاف دلان غرات
 اسلامک چشمه سار جرات و جویبار شجاعندین بولاند مغله
 رشته گسسته جمعیت اولان اوراق کل صدر برک بهم بسته کبی
 هر بری بر جانب پران و پریشان اولمغین اول کلین هزار میل
 مانع بلاغت علیه افضل النجیه حضرت نریک هوآواران مجتهدین
 انجمن درت عنذ لیب خاطر فریب که حضرت علی المرتضی حضرت
 عباس و ابوسفیان بن الحارث و عبد الله بن معبود رضی الله
 عنهم دن عبارتدر مانند چار عنصر محی فطه ذات مقدس نبوی
 یچون لانه کیر صبر و شکیب اولد قدرینه طوطیان شکرستان
 فصاحتدن بعضیدری و مساز اتفاق روایتدر فیلسوفان
 آثار دن بعضدی وخی ربیع بن الحارث و عبد الله بن زبیر
 ابن عبد المطلب و عنبه و معتب پسران ابی لیب رضی الله عنهم
 حضرت نریک اول چار اسطقس ثباته مانند چار کیفیات طارئین
 اثبات اینتشدور روایت اخراوه اولاد جعفر دن ربیع و قثم
 و فضل پسران عباس و اسامه بن زید و برادر مادر سی امین بن
 ام امین رضی الله عنهمک وخی حواس خمسۀ ظاهره کبی اول
 محله موجود دایره وجود اولد قدری اشراک کرده بعضن
 اصحاب سیر در بو انا و ده سر کرده مشرکین اولان مالک لعین

6
 اول سر آمد نهال حدیقه نبوت علیه افضل النجیه حضرت نریک مانند
 تند باد خزان سوی سعاد و تیرینه شتابان اولد قدره علی بعض
 الروایه امین بن ام امین رضی الله عنه سر راهن بند و مدافعه سنه
 اجاله سمند ایدوب پنجه و قایق و سبدر مروانه اراشدن صکره
 آخر قباي کلکون شهادتۀ تزیین دوش مفاخرت اینکین
 مالک وورخی بد نژاد اما حه سده طریق ایندم اعتقاد و یه تکرارا
 جناب فخر الانام علیه افضل السلام طفرینه اما له کجایم اضراوه
 هر چند جد و اصرار و تحریک تا زیانه جهد و اقتدار ایده کوروی
 اما عنان منطیه سن پنجه شنگیر تقدیر دن تخلیص ایده مملکه صلا
 مؤثر و مفید اولیوب زیور مجلس شاهنامه اولان رضا ویریر و
 مشکو بر کونه جنبش و حرکت حالتدی مشهودی اولمغله کند و یک
 وخی مانند صورت پشت بر دیوار حیرت قالد یعنی آثار موین خانه
 نقاشان اخبار و نذر بودخی شکوفا راز روضه الصفا دن
 چیده اما مل اعتبار اولان سبده شته آثار و نذر که انای فتح مکة
 مکرمه ده طوعا او کرها خار سردیوار مقامنده داخل کلزار ایمان
 اولان نفاق طینتا مدن بعضیدری اولاً صورت انهماده جلوه نما
 اولان شیوه شاهد تقدیرک اینجا مدن خبیر اولمغله بو حالند
 مبهتج و مسرور اولوب دمان زهر چکا نریدن اساله لعاب
 گستاخی یه جرات اینتشدایدی حتی ابوسفیان بن حرب حاشا ثم حاشا

تعبیر هنرل و استناده اصحاب محمد کرداب معرکه دن بر کونه
ساحل کرای فرار اولدیلر که لب دریایه دکن بر محله قرار ایمیجگی
بیج و تاب موجه اضطرار بدن بدیدار در بری دخی صفوان بن
امیه به خطاب ایدوب یا صفوان اصحاب محمد ک ابطال قابل
ایده قطعاً مقاومت استطا عتدی اولمغه وادی فراره نه کونه
شتاب اید کلین کوردکی وینه صفوان بن امیه نک برادر
مادر بسی کله بن جنبل یا صفوان بوکون اول کوندر حاشا
و کلا اثر سحر و فسون محمدي باطل و نیرنج و جادو لغی بالکله زایل
و عطل اولمش در صفوان هر برینک سنگ کران وزن شکست
فَضِّلَ اللَّهُ فَكَ لَأَنْ يُؤْتِيَنِي رَجُلٌ مِّنْ قُرَيْشٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّنْ لَّنْ
يُؤْتِيَنِي رَجُلٌ مِّنْ هَوَازٍ ایه در پیچه دها ندرین سده ایدکی زیور جیه
آثار در محمد بن اسحاق شبیه بن عثمان بن ابی طلحه دن تحریک
سلسله روایت ایدر که جناب سرور انبیا علیه من المصنوعات
از کاه حضرت ذری جانب حنین تحریک لوای ظفر التوابور و قند
بن دخی بونیت اید برزوه دامن موافقت اولمشیدم که هنگام
اشتعال ناره و غا و روز آشوب افروز هجاده که محل انتهاز صفت
واخذ انتقام تمام و سید قدر تر غرزه اُحدده سوخته برق شمشیر
محمد بن اولان پدر و برادر مک انتقامیده اطفال ناره حمیت
ایلیم و قنا که ملاقی فریقینده جانب اسلامیانه نظر قایدن

7
زلزل و پریشانی اتنا سنده حضرت فخر کونین علیه السلام
سوار اولد یعنی استرخوش منظر لرزیدن نند آیت نور صفی زمینه
مزدلری مشمول کما فله فرصت بعیم اولد قد و جانب بعین مهمت
رصد لرزیدن بر محله ناکهانی اراده سیده طرف سعادتیه رونما
اولد یخده عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنہی برزوه بکون
وهر هیأت مهابت نمون اید شرف خدمت محافظه لرینه
مقرون کوردیکده اول ذات پاکک عم غیر تکشی و بر مویه
بیک جان و سرفدا سندن بی تاشی اولغین بوکار نامور
اول جانبدن متمشی اولمیه دخی مجرّم اولد یغندن تاشی جانب
پسارندن هجومی اختیار و اول طرفه دخی ابوسفیان بن
حارثک پر ساز و سلاح مشا هده سی سدره کفاح اتکلین
بالاخره قفای سعادت اققا لرزیدن حواله برق شمشیر مرکز
تیره سحاب صنیم اولد قد ناکه میانه مزده برزبانة اتش لعل
و الهما به بشلیوب از قالدی که جسم کشف ناتوانی بالکلیه
سوزان و مغر استخوانی کحل دیده دوزخیان ایمیج بوجات
موشه و بو کیفیت غریبه و مدته دن بکا بر کونه خوف
و خشیت طاری اولمشیدی که حالا تصورندن زهره چاک
و فکر و خیالندن افتاده و بر طه هلاک اولمق بعید و کلدر
پوشانده اول سریره دان صنایع علم صلی الله علیه وسلم

حضرتی بوجرم روسیاهی پشیمه اودن منی خطابنه
شایان بیور طریق رومال پای ملکوت پیمارینه افغان و خیران
شایان اولوب حضور مقدس لرینه وار و یغده مبارک
دست معجزه پیوستلرین سینه بی سینه و صنع بیور و ب
اللهم اذهب عنه الشیطان مفایده کین خلجان اضطرار
بیور و پدر بعد ازین جانب اعدای لئامه سل سبف انتقام
ایچون نخیک گوشه ابروی اش ریزی بکابر کونه خمیر مایه
شوق و غرام اولدی که قسم بخالق کونین اگر سوخته و اغ غصه
و کباب نامه انتقام غیبه نری اولدیغم پدر و برادر اول وقت
سوار مطیبه حیات اولسه لر ایدی جناب سید عالمیانه بعض
وعد و اندری ایچون دلالت بدرقه ششم ایمه ایصال
در که نیز آن ایدرم و یومشود با صره حقیقت بینی اولان
ینچه بوارق خوارقی بیرون نیام وصف و تعبیر ایدی اول
روز عاقبت فیروزده حضرت یکم تاز عرصه اسرار و تنها سوار
مضمار ملکوت اعلا علیه فضل التی یا بر استر براق پیکره سوار
اولش لر ایدی که رشک سرعت سیر و همواری رفقاری
و اغزن شبدیز پرویز و کلکون شیرینه بر تنج همیشه خورن ایدی
طیبت نبوت تخمیر لر زده مرکوز اولان مایه اکیر شجاعت و جواهر
دلیری و جراتی مقتضای کلب کوهر نثار معجزه لر لرندن انا الشی

لاکذب انا ابن عبد المطلب مقال لال مثالیله حقا که شایان
هزار افتخار و مباحات اولان اظهار نسب شریف و اعلام حسب
ذات لطیف ایدرک نمک و تنها اول وحشی خزان بیابان
خسرن اوزر لرینه هجوم شیرینه تحریک عنان شجاعت بیور و قلندر
جناب عباس و ابوسفیان علیهما الرحمة و الرضوان بحکم اقدارین
گرفته دست مهاغت و رکاب غضب و التها بدین بوسه
اوده لب نیاز و منت بیور طریق یا عباس و لر ایدی اول مشو
شدگان بیم و هراسی جمع و ارجاع ایمه دیو منبع و مان معجزه بنایند
بر آب و تاب ایمه اجرای زلال جواب ایدر که کمتر قطره سنگ
شفای صدر علیل اولسنه سوق رفقاری برواضح دلیل ایدی
حضرت عباس بر مرد شدید الصوت و بلند صدا و لمغله
یا عبدا لله هذ رسول الله و یا اصحاب شجرة التمرة و یا اصحاب
سورة البقرة تعبیر منیات تذکیر ایمه قهار لرندن اطواره حمائم
آواز وحش و اغزای غزاده زیاده سوز و کداز ایتکله یا میانه
صد و نود یا خود تخمینا یوز عدد و مقداری اصحاب تأثیر کلام
عباس ایمه میدان معرکه به عنان کردان اولوب **نظم** زماور
همه مرکز ازاده ایم • همه بنده ایم ارچه ازاده ایم • زمره سیده
تقیل رکاب سید المرسلین صلی الله علیه و سلمه بری برین
مسابقه ایمه احراز رتبه شرف و مفاخرت ایتد کلر زنده درج

دمان معجزه نکرند. الآن حمی الوطیس لعلیاریه سن پیرایه
اکلیل روزگار بیور ویدر و طیس کتب لغته مفرداتش معنیه
مذکور و حمی ایله مرکباً شدت امر و اشتغال اثره صرب و قاله
کنایه اولمق اوزره مسطور اولوب. و اول من قالها ابنتی علیها السلام
حین اشته الباس بحین و هی من احسن الاستعارات
تعبیریه بوکوهر کرامتیک ابتداء صدف دمان در افشان نبوت
علیه افضل التحیدن زیور و شاح الصدر ظهور اولدغی جواهر
روایات مجمع البحرین بذر بولکلام بدیع النظام متعاقبات حضرت
علیه السلام تلامک روز فلقی بحره استغاثه بیور و قدری
دعای تأثیر در قفای. اللهم لک الحمد و الیک المثلک و انت
المستعان. تلاوتیه انباشتن چشم و دمان دشمنان ایچون
برشت سنکریزه ریشه طهم اولدغی علی اختلاف الروایات
یا حالت سوار یلریده یا صورت نزول نکرده کند و مبارک
ید مؤید لریده یا خود و ساطت اصحاب ایله برداشته و فلان
شاهیت الوجوه انهم موادرت محمد صلی الله علیه و سلم ایله
سوی کفاره انداخته و روزنه دیده و دمان نرین خاک و سنگ
انزاعه انباشته بیور و قدری حالدیه ثم انزل الله سبینه علی
رسوله و علی المؤمنین و انزل جنودهم تراباً. فحی حکمت احتوائی
اوزره کروبیان انجم شمار طلاء علادون ازانه ظلام کید اعدا ایچون

اشهر روایته پنج هزار و بعض روایته سکر نیک قول
و کرده اون التي بیک مقدار صورت اعجوبه مهابت بشریه ایله
مشکل و مانند صبح و شفق هر بری جامه سفید و تاج سرخ ایله
مرین و مکمل اجناد و جیاد ایله امداد و اسعاد اولمغیله نسیم فوز
و نصرت جانب اسلامیان و دبور نخوت و ادبار طرف
کفار و نوزان اولمغین متحیر و سرگردان و متفرق مفارقه
خیبت و خسران اولوب بر فرقه سی مالک بن عوف ایچون
طائفه شتابان و برکروهی بطن نخله یه کریران و فرقه دیگر
واوی او طاسده و اکذاشته اولان اموال و عیال لاری
محا فطنه غنا نکر و ان اولدیر مالک بن عوف دن منقول الموق
اوزره نکاشته صحیفه روضه الصفا اولان ریجاندسته
روایته نکر که کند و منسوب نکرند چند نفر کمنه لر بعد الزیمه همزبان
حکایت اولدیر که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و قحاک اول
حصانی ماضق و مار میت افر میت و لکن الله رمی. اولان
رمی ایله انداخته جانب قایل ایتد که هر روز قلمدی که اول
سنکریزه دن دیده ادر کی کور و دانه عقل و شعور دن
صدمه حله دور اولمیه بو کیفیت غریبه مشاهد سندن خور **نظم**
خور و خواب و آرام نکر شد. تو کفتی که روی زمین سنگ شد
مصنوعی اوزره درون و بیرون نکره بر در لوی بیج و تاب و بر کونه

قلق واضطراب رهپای اولمشیدی که میان زمین و آسمان
 سفید جامه و سرخ عمامه بر کرده بسیار و بر شکمهاست منظر
 ابلق سوار مشهور و مزاولمشیکن استیلای حیرت و دهشت سده
 در بجه نظر وقت ایلشیدی مرویدر که ابطال مشرکین
 ابو جزل نام بر شجیع سفاک دیواندام که نبرد آرمایان عربین
 میدان معرکه سینه پناه و جهارت و حمله کوه اندازید سپرداوه
 طاقت اولمش کسند یوق ایدی ترقی حال مومنین و تنزل
 وادابر مشرکین مهیج شران شجاعی اولمغین و امن بر زده
 غیرت جاهلیت و اهل من مبارز به غره سیده میدان معرکه
 ولوله انداز دهشت اولد قده اصحاب نصرت است بدن
 مضمار مبارزه به تحریک عنان جرات نمایان اولمغله نهنک
 بحر ایجا ابن عم حبیب خدا یعنی علی المرتضی کرم الله وجهه حضرت
 حسام غیرت و انتقامی گرفته پنجه ضرغامی ایدوب **نظم**
 قضا گفت کبر و قدر گفت ده • ملک گفت احسن فلک
 گفت زه • فوج پنجه بر حمله شیرانه و دستبرد و لیرانه اید اول
 معزور مقتورک سر هوا پرستن حباب جویبار و ذوالفقار
 ایتکلین بهرام خون آشام فلک حیران و فرشتگان عالم بالا
 قوت بازو سینه شهاب شیوان اولوب جمله حضار و نظاره و حتی
 باعث قوت قلب و اطمینان اولمش در بوغزای غراده

کلکون قبای شهادت خرام چمنستان جهان اولان درت نقر
 مومن پاکیزه کوهر و سداویل قطران طلای حجیم اید و اصل غدا
 الیم اولان بیتمش نفر مشرک هرزه کرد اولد یعنی اتفاق کرد
 اکثر اصحاب سیر در ناطق و صامت داخل زیریه اغنام
 و سنجیده میزان اتمام اولان مقدار اموالده ارباب سیر
 مختلف الاقوال اولوب لکن التی بیک پرده خوش بافت
 و فرق بیک و قیه نفقه صاف اید بکرمی درت بیک مهار
 مشرکوه اندام و فرق بیک راسدن متجاوز بره و اغنام
 اولد یعنی رسیده رتبه شریک حضرت اورنگ نشین امیر
 و پادشاه رسالتیناه ملائک سپاه صلی الله علیه و سلم فرق
 مشرکین رو نهاده وادی او طاس اولان رسیدگان پرزب
 و هراسک تعقیب و استیصالدر چون قدر الکفا عسکر طوفان
 ترتیب و اوزر لرینه ابو عامر اشعری رضی الله عننی امیر لشکر
 یقین و عقب مشرکین تسیر بیور مدینه طی چند مسافه
 بجمع کفاره رسیده اولد قلنده ابو عامر رضی الله عنه مشاع
 که اینهای حیاتی زیور دوش دلال قناید پنجه و ک بر کونه
 ترویج بازار گاه ایجا و بر وجهه تبیج وادوستد و غایمشیدی
نظم در خشدین تیغ الماسکون • سناهای آمار واده بخون
 تو گفتی که پرش ز کیتی بخار • برافروختد آتش کارزار • ماصدقی

ایدی اندن صکره برادرزاده سی ابو موسی اشعری وخی میدان
 کارزارده جای عم بزرگوارین خالی قومیوب اول وخی اشعل
 نامره حرب و قاتل و کرده مکروه کفاری کما یبغی قهر و استیصال
 ایدوب اول مجمع شمراره جمعیتی اولان دریدین القمه
 وخی علی اختلاف الروایتین شیخ زبیر بن العوام ویاخود
 لسع ثعبان شمشیر بن لدغه ایله سرنگون در که نیران اوشدر
 بفتح عظیم وخی علاوه فتوحات سامره اولغله سپاه
 نصر تقربن با صد زینب و آیهین یا بوس جناب سید الاولین
 و الاخرین ایله شرفیاب اولد قلنده سابق ولاحق داخل حظیره
 اغتنام اولان اموال و امتعه فی وقته قسمت ایچون طاف
 و مکه بنیده واقع جعرانه نام موضعده بقیه صندوق حرات
 وعباد بن بشر رضی الله عنہی تخصیص خدمت محافظه بیورد
 میان سبا یادون شیما بنت حلیمه السعدیه که شرف اخوت
 رضا عینه سید البرای علیه فضل التحایا ایله تاج ایتهاچی حرف
 زهره زهرا ایدی بعض اصحابدن صورت خشونت وحقارت
 مشاهده سیله نقاب افکن چهره راز اولوب رخوده درگاه
 سعادت همشکارای اولمغین رجا و نیاز اینکین اسعاف
 مسئولید نظر کیمیا اثر سید البشر صلی الله علیه و سلمه رسیده
 اولوب یا رسول الله بن اخت رضا عینه کن شیما استدعی

عاطفت ایدکده حضرت بنده نواز علم خاطر ساز بیچارگان
 بنی آدم صلی الله علیه و سلم یا شیما صندوقه متخذه که نایب مدقا
 حلی علا ییدن محک زده امتحان اوله حق حلیه علامت موجود
 دیو کوهر ریز استنطاق اولد قلنده بی یا محمد دیوب اسم پدر
 و مادر و لقب و کنیه برادر و خواهری ایله لولو کش رشتن نسب
 اولمغین حضرت خواجهمهر شناس عرفان تاحی عیار مدعا
 تمغازن تصدیق وادغان اولوب نوازش بسیار واکرام
 فراواندن صکره شیما وخی مقتضای یکی جوهر و لازمه قرابت
 سید البشر اوزره مشکوه دماندن فیتله فروز نوران اولغله
 معرزه و مکرمه حمله تربیت نبویه آسوده نشین پسر استراحت
 اولسیله جانب دار و دیارینه غریمتی امرنده زمام اختیاری
 قبضه خواهنش تسلیم اولمغین حب الوطن من الایمان مقتضای
 عطایای علم شمول رسولدن اوج کنیزک و بر غلام و چندر
 جمال واعظام ایله مقتضی المرام سوی وطنه امانه لجم ایدی
 مستحفظان قلاع آثار بو وجهله تشید بروج اخبار ایشلدور
 معرکه خنیدن خائب و خائف مالک بن عوف ایله
 رونهاده حصار طائف اولان هوازن و ثقیف محاربه
 خنیدن مقدم لاجل الاحتیاط برج و بارورین تحصین احکام
 وفوت یکساله لرین آماده و سرانجام ایشلد ایدی درون

قلعه به و خولنده داخل و ابواب بسته و اسیر نو خدام آرزوین
 قال مسلمة شد ایتد طبری خبری حضرت اورنگ نشین خطه
 لولاک و باعث ابداع بروج هفت توی افلاک صلی الله
 علیه و سلمک عتبه مقرنس طاق جوزا نطق قدرینه عرض اولند
 قلعه طائی دخی علاوه لطف فتوحات و اول حوالی بی
 پامال ستم ستم غزات ایلمک اوزره پیشگاه نیته نصب علم
 غریمت بیور مدینه علی روایت عبیده بن جراح رضی الله عننی
 و علی قول خالد بن الولید رضی الله عننی حکم داران اسلام
 بیک نفع کر نصرت پیکره سرشکر تعیین و مقدمه منظور
 جیش عنوانیده پیش سطر صحیفه صحرا و کند و ر دخی معتبرند
 اولان کتیبه خضر ایلد تحریک لوی طفل التوا بیور و بمیر
 بها یوزده واقع مالک بن عوف النضر نیک قصر نخست اسل
 و طاق و رواق سریع الاند راسنی فرمان سلطان الانبیا علیه
 اجل التی یا ایلد سوخته نائرة انتقام و آثار و اطلالین کنده تیشه
 اعدام ایدوب چند روزه طی مسافه دن صله حوالی قلعه و
 بر حمله **نظم** فروشد باهی و بر شد باه • بن نیره و قبه بارگاه
 فوجا نجه نصب اعلام اقبال و مد ظناب عز و اجلال بیور لده
 طر فیندن اعمال ادوات حرب و قتال رسیده رتبه کمال اولوب
 لکن مخیم هایون بر جایی مکشوف الارحابه مصا و ف اولمغین

نظم کران تیر باران کنون آمدی • بجای نم از ابر خون آمدی
 مفهومی اوزره جانب طائیفان دن باران اولان تیر و سهام
 عا کر اسلام دن و افرین جرح و ایلام و دیکرانی دخی
 بی راحت و آرام اتمکله بالاقصنا اول محکدن حرکت و بهرجا
 دل آسایه ضرب خیم اسراحت بیور دیکر که **نظم** نه خاکه
 ایتدی ایسه ذات پکی وضع قدم • اولور قیامت و ک زبور
 جباه ام • مصداقچه حال مسجد طائف اول مقام مبارک
 اولد یغی آرایش محراب روایتد چونکه حصانت حصار لری
 باعث امتداد کار زار اولد یغیدن ناشی طائیفانک خارج
 سورده واقع نخل و کر و مری که مدار معاش و ماده ترفه و انتقا
 اولمغله هر بر نیک بنج محبتدی بر محبوب رشیق القه و دل را
 و بر رعداری جمیده حمله پیر قدر ریشیه بند سوره زار خاطر لری
 اولد یغیدن بادی یقینق معنوی و موجب تکلیف روحانی اولی
 اوزره جمله سنک قلع و قطعی بایده فرمان قطعی ایچمان بنوی
 صادر اولمغین بوجبه هوش که از آتش افکن خرمن صبر و قرار لری
 اولوب بورین اوزره نخلستان سوز و کداز و دانه پاش اشک
 نیاز اولد یکر که اوده دن بری آستان مکارم نشان نبوتدینه
 گردناده ربه رقیبت اولند خار خار عالم کون و فسادون و کل
 سلاسل و اغلال روز میعادون دخی نامون و سرازاد اولمغی

پیرایه ذات نبوت سمانی اولی و داعیه دعوت عام و موجب
 رغبت جمیع انام اولد بخندن قطع نظر قطعیه اراده علیه نبوی
 تعلق ایدن نخل و کرومک وخی اکثر ثماری تختگاه رسانینا
 اولان کلمه مکرمه ده زیور بازار و داخل حوصله مهاجر و انصار اولمق
 حبسینه هر برین ستاده مقام عبودیت بر عبده خدگار مشاییده
 عفو و آزاد و بود کلو محزوندی سرور و دلش بیوره لر اول بلا
 سر بستان رافت و عنایت و سر و سر فراز خیابان مرحمت
 وی طفت علیه افضل التیج حصه تدرینه صرصرقت انکیر نیازی
 جانب عفو و وسیله میل و اهتزاز اولمغین او غما لله و لرحیم
 مقایله نهال سولتری بیج افکن زمین قبول اولوب تکرار
 عدم قطع و تعرض بایده فرمان جهات مطاع نبوی صادرا و
 قلعه مرقوم نک مدت محاصره سی بر روایده اون سکر کون
 روایت اخراوه فرق کون مقداری امتداد بولوب زبانه نامه حرب و قتال
 سطح مقعر فلک البر وجه رسیده و بارش تیر و پیکان بدن پرندگان هوا
 رسیده اولوب **نظم** دهاوه خروش آمد و دار و گیر • هوا دام کرکس شد
 از پر تیر • مصداقنه ماصدق ایدی بوغراوه سلم بنده یه شهادت
 صاعد بروج شرف و سعادت اولان اون یکی نفر مؤمن دلاور

و عبده الله بن ابی بکر رضی الله عنک بومره

سر دفتر اولدغی مرقوم صحیفه

حرفی ۷ شعبه ۱۱۴۱

Stilleman, J. K. 1890

Haddonfield, N. J.

Vol. 1

1890

806